



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۹/۰۲



همایون شاه عالمی

آواره



چون چادری ات قلب مرا پاره نمودند
فرزند تو ماندست بسی گشنه و تشنه
چون توست به هرکوچه هزاران زن بیوه
بر زاری و محتاجی تو خنده نمایند
دریوزه زاغیاری شده عادت مردم
گفتند بسی کار بد مردم دیگر
جنگست سرچوکی به پُرکردن جیبی
روی در ودیوار همه خون من و تُست
رفتند در کعبه و گفتند که توبه
هر عزت و هر همت مردم بستاند
یک کار مؤثرکه ندیدم سر مویی
این ملت مظلوم همایون نکند شور

افسوس ترا بی کس و آواره نمودند
این فقر بدیدند، کجا؟ چاره نمودند
رحمی نه بدان کودک گهواره نمودند
سنگست دل شان پُر از خاره نمودند
یک ملتی کشتند که بیکاره نمودند
و آنکه گنهی خویش به تعّاره نمودند
و آن اشک یتیمان به فواره نمودند
برگوشه نشستند چه نظاره نمودند
برگشته همان کار دوصد باره نمودند
و آن چور و چپاولگری همواره نمودند
بس لاف و سخنانی به نغاره نمودند
فریاد و فغان تو به استاره نمودند

۳۰ اگست ۲۰۱۹ م

تذکر: هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نیشته ها و سروده های دیگری از این شاعر معزز را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

آواره
Aleml_h_۸۶_aawaara.pdf